

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و سوم

بهار ۱۴۰۲

## تحول و تداوم حاکمیت فاطمی بر اساس نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۷/۲۹

معصومه دهقان<sup>۱</sup>

محبوبه فرخنده زاده<sup>۲</sup>

خلافت فاطمی که در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری گستره‌ای عظیم از سرزمین‌های غرب جهان اسلام را در بر گرفت؛ بر اساس جنبشی سیاسی - مذهبی با تکیه بر آموزه‌های کلامی شیعه اسماعیلیه که معتقد به اصل مهم امامت منصوص اسماعیل (درگذشته به سال: ۱۴۵-۱۳۸-۱۳۳ ق) فرزند امام صادق علیه السلام (درگذشته به سال: ۱۴۸ ق) و بعد از او محمد بن اسماعیل (درگذشته به سال: ۱۹۸ ق) بودند، استقرار یافت. مسئله این پژوهش واکاوی تکوین، تحول، تداوم و درنهایت سقوط خلافت فاطمیان با رویکرد جامعه‌شناختی و بر مبنای نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده و درنهایت داده‌های تاریخی با تئوری اقتدار سنتی «وبر» مطابقت داده شده است. یافته‌های

۱. دکتری تاریخ اسلام، استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز  
(ma.dehghan@shirazu.ac.ir).

۲. دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. (farkhondehzadeh@um.ac.ir).

پژوهش نشانگر آن است که بعد از دو سده تلاش داعیان اسماعیلی در نهایت حکومت اقتدار سنتی خلافت فاطمی در شمال آفریقا شکل گرفت. با فتح مصر و بنای قاهره، اقتدار سیاسی خلافت نهادینه گردید و با گسترش تشکیلات اداری و نظامی، حکومت فاطمی با ویژگی نظام پاتریمونیال (پدر میراثی) - بوروکراتیک استقرار یافت. تداوم حاکمیت سیاسی و اداری به سبب ضعف نهاد خلافت و رقابت دیوانیان و نظامیان، آغازگر دوران سلطانیسم فاطمی (پادشاه زدگی) بود که پی آمد آن، قدرت گرفتن وزیران نظامی و سیطره نیروهای سپاهی بر حکومت بود. فرجام نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک فاطمیان با تجزیه سیاسی خلافت و تشکیل حکومت ایوبیان (۵۶۷-۶۵۸ ق/ ۱۱۷۳-۱۲۶۰ م) رقم خورد.

**کلیدواژگان:** خلافت فاطمیان، ماکس وبر، اقتدار سنتی، پدر میراثی، پادشاه زدگی.

#### مقدمه

خلافت فاطمی محصول جنبشی سیاسی - مذهبی بود که حکومتی با تکیه بر نسب و با داعیه امامت اسماعیل - فرزند امام صادق علیه السلام - تشکیل داد که گستره اقتدار سیاسی آن تا حدود دو قرن و نیم، بخش‌هایی از شمال آفریقا، مصر، یمن و شام را در برمی گرفت. داعیان سازمان یافته فاطمی با بهره‌گیری از نظام پیچیده دعوت و تعلیم آموزه‌های کلامی و سیاسی و نیز تکیه بر قدرت سیاسی تا هند و ماوراءالنهر پیش رفتند و با پیوستن امیران برجستگان سیاسی، واکنش دربارهای عباسی (حک ۶۵۶-۱۳۲ ق)، سامانی (حک ۳۹۵-۲۶۱ ق)، غزنوی (حک ۵۸۲-۳۵۱ ق) و آل بویه (حک ۴۴۷-۳۲۰ ق) را برانگیختند. تشکیل این نظام سیاسی با ویژگی‌های خاص که در هیچ‌یک از خلافت‌های اسلامی قبل

از خود تجربه نشده بود؛ با تکیه بر اندیشه کارزماتیک، تجربه اقتدار و سیادت کم سابقه را در نظام سیاسی اسلام پدید آورد.

### پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی علل تشکیل، اقتدار، ضعف و سقوط خلافت فاطمی مطالعات بسیار انجام شده است؛ اما در این پژوهش تلاش می شود با رویکرد جامعه شناختی؛ روند تشکیل، تحولات و سقوط حکومت فاطمیان مورد واکاوی و تبیین قرار گیرد. نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر به عنوان مفهوم ناظر بر تحلیل ساختارهای سیاسی جوامع سنتی، مبنای نظری نوشتار مورد نظر قرار گرفته است و مفهوم پاتریمونیال - بوروکراتیک برای دادن نظم معقول و منطقی به پژوهش و ارائه تعاریف و نتایج مستند، در این مطالعه مبنای تحقیق قرار گرفته است.

در موضوع این پژوهش آثار تاریخی متعددی را می توان به عنوان پیشینه تحقیق در نظر گرفت. از جمله این نگارش های تاریخی؛ «تاریخ المصر الفاطمیه»؛ «سیمینوفا» در چهار فصل به بررسی نظام حکومتی فاطمیان در شمال آفریقا و مصر، تاریخ اقتصادی - تجاری و اجتماعی فاطمیان در مصر پرداخته است. این اثر بسیار در روشنایی مباحث سیاسی - اداری و اقتصادی مصر عصر فاطمی قابل توجه است. «تاریخ الدوله الفاطمیه فی المغرب و مصر و سوریه و بلاد العرب»؛ نگاشته «حسن ابراهیم حسن»؛ جامع ترین تحقیقی است که درباره تاریخ و نهادهای فاطمیان صورت گرفته است. در «تاریخ الدوله الفاطمیه فی مصر؛ سیاستها داخلی و مظاهر الحضاره فی عهدها»؛ نگاشته «محمد جمال الدین سرور»؛ اوضاع داخلی مصر، تنظیمات اداری و مالی و حرکت های سیاسی و دینی در مصر مورد توجه قرار گرفته است. «الدوله الفاطمیه»؛ «ایمن فؤاد سید» استاد دانشگاه آمریکایی قاهره، تفسیر جدید را به رشته تحریر در آورده است. وی از جمله کسانی است که در سال های اخیر به جستجوی منابع فاطمی بر آمده است و این اثر از جمله مهم ترین کتاب هایی است که طی نوزده فصل تاریخ دولت فاطمیان را از نظر سیاسی،

اقتصادی و اجتماعی و... به صورت مفصل مورد بررسی قرار داده است. «نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر»؛ نگاشته «عبدالمعتم ماجد» نیز از دیگر آثار محققان عرب در زمینهٔ تشکیلات اداری و سیاسی مصر عصر فاطمی است. از بین نویسندگان فارسی‌زبان «ناصری طاهری» نویسنده کتاب «فاطمیان در مصر»؛ اطلاعات مفیدی درباره نظام اجتماعی، اداری و سیمای علمی - فرهنگی مصر عصر فاطمی ارائه داده است. «چلونگر» نیز در کتاب «تاریخ فاطمیان و حمدانیان»، زمینه‌های تشکیل خلافت فاطمیان در مغرب، اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی خلافت فاطمی را از ابتدا تا سقوط مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. همه این آثار ارزشمند و نیز آثار متعددی که به صورت کتاب، رساله و مقاله در بیان حکومت، سیاست و تشکیلات اداری فاطمیان نگاشته شده است، قابل توجه هستند اما تفاوت پژوهش پیش رو بررسی حاکمیت خلافت فاطمی بر اساس نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر است.

در چند دهه‌ی گذشته، آرا و اندیشه‌های ماکس وبر - اندیشمند آلمانی - بر پژوهشگران تاریخ، تأثیرات آشکاری نهاده است. اگرچه اندیشه‌های «وبر» پیرامون تحول جامعهٔ غرب متمرکز است اما برخی از وجوه آن بر تحولات، تغییرات و روند تحولات تاریخ اسلام هم قابل انطباق است. پیشینهٔ کاربست نظریه «ماکس وبر» در باب حاکمیت و اقتدار حکومت‌های مسلمان، طولانی نیست. در حقیقت یکی از عواملی که باعث شد اندیشه‌های «ماکس وبر» در میان پژوهشگران تحولات سیاسی - اجتماعی ایران به‌ویژه در چند دهه گذشته، مورد توجه قرار گیرد، وقوع رویدادهای سیاسی بزرگ و شگفت‌انگیزی بود که در تاریخ ایران به‌ویژه دوره معاصر رخ داده است؛ اما آنچه «وبر» درباره نقش رهبری کاریزماتیک و همچنین نظریه اقتدار و حاکمیت سیاسی گفته است برای محققان تاریخ اسلام قابل توجه بوده و آثاری در این نگاه به نگارش درآمده است. این آثار انگشت‌شمار هستند و تا حدودی شباهت‌هایی باهم دارند؛ می‌توان آثار زیر را به‌عنوان پیشینهٔ این تحقیق به محققان معرفی کرد؛ مقاله «نظام سیاسی ساسانی (۵۷۹-۳۲۵ م) و نظریه پاتریمونیا - بوروکراتیک ماکس وبر» نوشته «روزبه زرین‌کوب» و «حمیدرضا

پاشازانوس» به صورتی بسیار روشن، مفهوم پاتریمونیاال - بوروکراتیک را در جامعه‌شناسی «وبر» شرح داده و به استناد داده‌های تاریخی از نظام سیاسی ساسانی، آن نظام را یک نظام پاتریمونیاال - بوروکراتیک شناسایی کرده و به‌خوبی نظریه مذکور را در این بازه تاریخی در ایران به‌کاربرده است. «حاکمیت خلافت عباسی بر مبنای نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر» مقاله دیگری است که توسط «محبوبه فرخنده‌زاده» در حوزه‌ای تقریباً هم‌عصر با مقاله حاضر به رشته تحریر درآمده است و حاکمیت خلافت عباسی را بر اساس نظریه پاتریمونیاال - بوروکراتیک ماکس وبر مورد تحلیل قرار داده است.

### نظریه مفهومی

فهم نظریه پاتریمونیاالیسم - بوروکراتیک نیازمند توضیح و تبیین انواع اقتدار در اندیشه ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۲۰ م) است. یکی از موضوعاتی که «وبر» به تفصیل به بررسی آن پرداخته است؛ بحث تحلیل دولت و رابطه پیچیده آن با جامعه است. نظریه انواع حاکمیت و نهادهای دولت و قدرت از مهم‌ترین مباحث و در حقیقت مبنای جامعه‌شناسی وی است که با مطالعه نظام‌های سیاسی در طول تاریخ و طبقه‌بندی آن‌ها شکل گرفته است. بدین منظور «وبر» مفاهیم سیادت، قدرت و سلطه مشروع را به‌روشنی تعریف و نمونه‌هایی از آن را در جامعه‌شناسی آورده است. از دیدگاه وی دعای مشروعیت (اقتدار) مبتنی بر سه نوع کلی هستند: قانونی - عقلانی (بوروکراتیک)، کاریزماتیک و سنتی.

چنانکه سلطه بر مبنای باورها و روابط و ارزش‌های سنتی باشد، حاکمیت سنتی<sup>۱</sup> است، اما اگر اساس سلطه بر پذیرش قانون باشد، قانونی - عقلانی و در نهایت اگر اقتدار مبتنی بر ارتباط درونی (عاطفی - ارزشی) بین رهبر کاریزما و پیروان وی باشد، از آن به سیادت کاریزماتیک تعبیر می‌شود.<sup>۲</sup> محور اصلی پژوهش حاضر بررسی امکان کاربست نظریه

---

1. Traditional

2. Charisma

اقتدار سنتی و نظام پاتریمونیال – بوروکراتیک با حاکمیت فاطمی است؛ بنابراین نخست به بررسی چارچوب نظری پرداخته می‌شود.

**سیادت سنتی:** در سلطه سنتی؛ عادات و سنت، منشأ اقتدار و تعیین رهبر است. در این نوع از سلطه، پیروان به سبب باورمندی به قواعد قراردادی<sup>۱</sup> و همچنین اعتبار موقعیت و مقامی که به پشتوانه سنت ایجاد شده است از فرمانروا پیروی می‌کنند.<sup>۲</sup> اقتدار سنتی در اصل از نظام‌های پدرسالاری<sup>۳</sup> (پاتریارکال) و پیرسالاری<sup>۴</sup> پاتریمونیال<sup>۵</sup> و فتودالیسم<sup>۶</sup> تشکیل شده است.<sup>۷</sup>

## 1. Stipulated

۲. بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۲۱.

## 3. Patriarchal

## 4. Gerontocracy

## 5. Patrimonial

## 6. Feudalism

۷. سیادت سنتی را به سه نوع نظام‌های سیدسالاری (جرونتوکراسی)، پدرسالاری (پاتریارکال)، پاتریمونیال (پدرشاهی) تقسیم نموده‌اند (بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۲۱)؛ در پیرسالاری، قدرت به مسن‌ترین فرد که آگاه به سنت نیز است اختصاص می‌یابد. در شکل پدرسالاری قدرت به یکی از برگزیدگان قوم تفویض می‌گردد؛ اما معمولاً قدرت در درون یک خانواده معین به‌طور موروثی انتقال می‌یافت. نظام پاتریمونیال (سلطه موروثی یا پدرشاهی) صورتی از حاکمیت سیاسی سنتی است که در آن یک خاندان، پادشاهی و قدرت جابرانه را از طریق دستگاه دیوانی اعمال می‌کنند و قدرت سیاسی در کنترل شخصی و مستقیم فرمانروا قرار دارد؛ درحالی‌که در فتودالیسم، سلطه از طریق اشراف زمین‌دار اعمال می‌شود و آنان هستند که از راه سربازگیری از بین رعایای خود، نیروی پشتیبان قدرت را تأمین می‌کنند (برزگر، تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، ص ۵۴-۵۵).

نظام پدرسالاری منشأ و شکل اولیه نظام پاتریمونیال است و فتودالیسم هم نظام سیاسی شکل گرفته از تقسیم و تجزیه نظام پاتریمونیال است. نخستین ملاک برای نمونه شناسی نظام‌های متفاوت سنتی از یکدیگر، وجود یا عدم وجود سازمان اداری است. نظام‌های پدرسالاری و سالمند سالاری،<sup>۱</sup> دو نمونه از نظام‌های سنتی است که سازمان اداری ندارند و نظام پاتریمونیال و فتودالی که در تاریخ سازمان‌های سیاسی اهمیت بسیار دارند، دارای سازمان اداری هستند.<sup>۲</sup> پدرسالاری و سالمند سالاری ابتدایی‌ترین نمونه‌های سلطه مشروع سنتی‌اند که در آن فرمانروا فاقد کارگزار شخصی برای اداره امور است.<sup>۳</sup>

### بررسی مفهومی سلطه پاتریمونیال

«پاتریمونیالیسم» و «فتودالیسم» از جمله اشکال اقتدار سنتی‌اند که از سازمان اداری برخوردارند. مطالعه سیر اقتدار سنتی و روش‌شناسی «وبر» نشان از آن دارد که سلطه پاتریمونیال (موروثی) ابتدایی‌ترین شکل سلطه سنتی است که با گسترش و تکامل سلطه پدرسالاری این سیادت به پاتریمونیال (سلطه موروثی) بدل می‌شود. در حقیقت سیادت موروثی همان شکل توسعه‌یافته سیاسی، اداری و اقتصادی پدرسالاری است که با توسعه قلمرو و اختصاص اراضی به اعضای خاندان به‌نظام سیاسی پاتریمونیال تحول یافته است؛ بنابراین در بررسی تحولات نظام‌های سیاسی، نظام پدرسالار را باید مبنای اولیه شکل‌گیری نظام پاتریمونیالیسم دانست. به تعبیری پاتریمونیالیسم شکل دگرگونه شده حاکمیت سیاسی سنتی است که در آن خاندان پادشاهی از طریق دستگاه دیوانی اعمال قدرت می‌کند. «ترنر» که از جمله شارحان آثار «وبر» به شمار می‌رود، فرایند تبدیل نظام پدرساهی به پاتریمونیالیسم را چنین توضیح می‌دهد:

#### 1. Gerontocracy

۲. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۸۰-۸۱.

۳. پارکین، ماکس وبر، ص ۱۱۴.

«پدرشاهی که شکل سنتی و ابتدایی‌تری نسبت به پاتریمونیالیزم دارد، مبین سلطهٔ یک ارباب یا خان بر عشیره خود است. ستاد اداری چنین ساخت قدرتی مستقیماً از خانواده گسترده رئیس طایفه گمارده می‌شوند؛ اما به هنگام گسترش نقش‌ها و وظایف دیوانی، اعضای دودمان حاکم برای اداره امور به‌تنهایی کفایت نمی‌کنند، از این‌رو حاکم پاتریمونیال ناچار به گماردن خیل عظیمی از بردگان به درون دستگاه دیوانی خود می‌شود که مناصب نظامی و اداری را اشغال می‌کنند؛ از اینجاست که پدرشاهی به سلطهٔ موروثی بدل می‌شود».<sup>۱</sup>

با گسترش اقتدار سیاسی ضرورت دارد که حاکم به وابستگان خود مسئولیت واگذار نماید. در چنین موقعیتی سازمان اداری شکل می‌گیرد. با تشکیل نهاد اداری به تدریج اختیارات انحصاری فرمانروا تصرف می‌شود.<sup>۲</sup> به این ترتیب با توسعه سازمان اداری و نیروی نظامی، سلطه سنتی به صورت پاتریمونیالیزم تکامل پیدا می‌کند.<sup>۳</sup>

حاکم پاتریمونیال برای ادارهٔ قلمروی گستردهٔ خود نمی‌تواند تنها به وابستگان شخصی کفایت کند، بنابراین دستگاه اداری محدود به چارچوب اعضای خاندانی وی نیست. به همین جهت ادارات مرکزی تأسیس می‌شود و به‌طور معمول مقامات عالی‌رتبه بر آن نظارت می‌کنند. پاتریمونیالیسم گسترده‌ترین، پیچیده‌ترین و برجسته‌ترین نوع سلطه سنتی است که اساس و مبنای حاکمیت است.

حاکمیت پاتریمونیال از یک سو مبتنی بر تشکیلات اداری، نظامی، اقتصادی و حقوقی است و از سوی دیگر حاکمیت شخصی متعلق به یک شخص و خاندان است. حاکم هرچند دارای قدرت مطلق برای فرمان دادن به پیروان خود است، اما از سوی سنت و

۱. ترنر، اسلام و وبر، ص ۱۵۸.

۲. پارکین، ماکس وبر، ص ۱۱۶.

۳. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۵۸.

رسوم کنترل می‌شود. در اندیشه سیاسی «وبر» سلطه سنتی پاتریمونیا، حاکمیت ساختاری مبتنی بر تشکیلات اداری، نظامی و... است که گرایش‌های متعدد دارد؛ نظام پاتریمونیا، خالص و مرتبه‌ای و به لحاظ ساختاری حاکمیت پاتریمونیا - بوروکراتیک است. در نظام پاتریمونیا - بوروکراتیک دو مفهوم متضاد وجود دارد؛ از سوی پاتریمونیا، به‌عنوان نظام سنتی شخصی و گرایش خودکامه فرمانروا است و از سوی دیگر مبتنی بر سیادت عقلانی غیرشخصی به شمار می‌رود. نظام پاتریمونیا - بوروکراتیک در واقع به دیوان‌سالاری سنتی در سیادت پاتریمونیا اشاره دارد که دارای مشخصه‌های ظاهری بوروکراتیک است؛ اما سلطه پاتریمونیا - بوروکراتیک با نظام عقلانی - قانونی و غیرشخصی که مبتنی بر قوانین اداری بوروکراتیک است، تفاوت دارد. گرچه نظام‌های اداری پاتریمونیا - بوروکراتیک به سبب سنت‌گرایی، ضعف ارتباط و وسایل ارتباطی و استبداد شخص حاکم در مقایسه با بوروکراسی مدرن، برخوردار از تمرکز و اقتدار نظامی نیست، اما می‌توان آن را از قدرتمندترین تشکیلات حکومتی که بشر قبل از نظام عقلانی - قانونی تجربه کرده است، دانست.

در ادامه‌ی مطالعه‌ی نظام پاتریمونیا، باید از روند دیگری که در آن شکل می‌گیرد، یاد کرد؛ «نظام سلطانی»<sup>۱</sup> یا سلطانیسم که افراطی‌ترین شکل اقتدار پاتریمونیا است. در این نظام، قدرت به شکل کاملاً شخصی و طبق اراده حکمران و فارغ از محدودیت‌های ناشی از قانون و دیوان‌سالاری و حتی سنت اعمال می‌شود. سلطانیسم ساختاری متفاوت از پاتریمونیا، نیست بلکه صرفاً روندی متفاوت در ساختار پاتریمونیا است. بدین معنی هنگامی که حاکم پاتریمونیا از سنت به سمت سیاست‌های خودکامه گرایش پیدا کند، نظام سیاسی شکل گرفته همان «نظام سلطانی» است. در توضیح این‌طور «شهبانی» می‌نویسد: «پاتریمونیا، در حالت افراطی، نظام سلطانی معمولاً هنگامی پدیدار

## 1. Sultanism

می‌شود که فرمانروای سنتی، دستگاهی اداری و نیرویی نظامی ایجاد می‌کند که صرفاً ابزار شخصی فرمانروا است. درجایی که سلطه سنتی است، ولو از طریق اراده شخصی فرمانروا اعمال گردد، آن را اقتدار پاتریمونیالیسم می‌نامیم، [اما] در مواردی که سلطه بر مبنای اراده شخصی اعمال شود، سلطانی نامیده می‌شود... که اقتدار گسترش افراطی اراده شخصی حاکم است»<sup>۱</sup>.

### تکوین نظام پاتریمونیالیسم حاکمیت فاطمی

خلافت فاطمی، حکومتی مذهبی بود که در تضاد با مذهب رسمی خلافت عباسی در گستره غربی قلمرو آن‌ها تشکیل شد. از اواخر دوره بنی‌امیه (۱۳۲-۴۱ هـ ق) نفوذ و اقتدار خلافت در مغرب رو به افول نهاده بود. باروی کار آمدن عباسیان گرچه خلفا مدتی کوتاه توانستند نظارت و سلطه خود را بر این ناحیه بگسترانند، اما با تسلط ترکان و ضعف عمومی نهاد خلافت، همچنین قدرت گیری خاندان‌های حکومت‌گر و تشکیل دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در مشرق قلمرو و هم‌زمانی فعالیت‌های قرامطه در یمن، عراق و بحرین سبب شد که عباسیان تمام همت خود را معطوف شرق نمایند. به تدریج نفوذ مقتدرانه خلفا در این منطقه کمرنگ گردید و قدرت گیری سیاسی داعیان فاطمی در شمال آفریقا و سپس مصر آغاز گردید. چندی قبل از آن، در مصر تلاش‌هایی برای خودمختاری از سوی احمد بن طولون (۲۷۰-۲۵۴ ق) صورت گرفته بود.<sup>۲</sup> دعوت اسماعیلی که با اندیشه امامت اسماعیل - فرزند ارشد امام صادق علیه السلام - پس از وفات امام صادق علیه السلام (۱۴۸ هـ) آغاز شده بود در پی دو سده، نظم و انسجام بیشتری یافت.<sup>۳</sup> در سال

۱. شهابی، نظام‌های سلطانی، ص ۱۳.

۲. طقوش، دولت عباسیان، ص ۲۴۸-۲۵۰.

۳. دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، سنت‌های یک جمعیت مسلمان، ص ۶.

۲۸۶ ق در نهضت اسماعیلی شکافی پدید آمد. عبیدالله مهدی (۳۲۲-۲۹۷ ق) که با ادعای امامت، تغییراتی در نگرش دعوت به وجود آورده بود؛ برای حفظ جان ناگزیر به ترک سلمیه شد. پیش از آن ابوعبدالله شیعی (در ۲۹۵ ق) - از دعوتگران اسماعیلی - در فاصله سال‌های ۲۸۰ تا ۲۹۶ ق در میان قبایل «بربر کتامه» دعوت خود را آغاز کرده بود.<sup>۱</sup> وی توانست با جذب باورمندان وفادار به آرمان‌های اسماعیلیه، سپاهی نیرومند برای به قدرت رساندن امام فاطمی فراهم کند. دعوت فاطمی با ساختار مخفی و نظام‌مند توانست دولتی قدرتمند را در پرآشوب‌ترین مکان و زمان حاکمیت اسلامی ایجاد کند. این خلافت از سال ۲۹۷ ق در مغرب اسلامی تأسیس شد و در پی آن در سال ۳۵۸ ق دولتی مقتدر را در سرزمین حائر اهمیت مصر ایجاد کرد. مسئله پژوهش پیش‌رو بررسی تکوین و تحولات نظام پاتریمونیال فاطمی است که با تحلیل داده‌های تاریخی و تطبیق آن با مباحث نظری چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تشکیل خلافت فاطمی در شمال آفریقا، شکل‌گیری نظامی پاتریمونیال بود. چنانکه طبق نوشته «وبر» در نظام پدرسالاری با گسترش وسعت قلمرو و ازدیاد مناصب اداری، عناصری بیرون از وابستگان اعضای خاندانی به خدمت گرفته می‌شود که گذر و تحول اقتدار سنتی از مرحله نخست به نظام پاتریمونیال است.<sup>۲</sup> «وبر» علاوه بر گستردگی قلمرو، موقعیت جغرافیایی، برخورداری از منابع طبیعی چون رودخانه و ساختار نظامی را زمینه تشکیل دیوان‌سالاری متمرکز و منسجم می‌داند.<sup>۳</sup> بر این اساس می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که منطقه جغرافیایی بلاد «کتامه» که به‌دوراز حیطة قدرت امیران «اغلبی» (۱۸۴-۲۹۶ ق) بود، مکانی مناسب برای تبلیغات «ابوعبدالله شیعی» به شمار می‌رفت. موقعیت جغرافیایی این منطقه

۱. دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۵۹.

۲. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۶۹.

۳. بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۶۶.

کوهستانی با سواحل پیرامون آن، حائلی طبیعی برای مقاومت ساکنانش بود. علاوه بر این دوری از عراق و تختگاه بغداد مانند سدی در مقابل نفوذ نیروهای خلفا بود که به دعوت داعیان فاطمی کمک نمود. همچنین غنای نیروی انسانی و نظامی این منطقه به پیشبرد دعوت فاطمی یاری رساند. چنانکه همراهی قبایل «کتامه» و «صنهاجه» که نیروی نظامی فاطمی به شمار می‌رفتند، امکانی فراهم کرد که فاطمیان توانستند در کمتر از یک دهه قدرت خود را در شمال آفریقا تثبیت کنند.<sup>۱</sup> قبیله «بربر کتامه» با ایفای نقش بسیار گسترده در سرکوب شورش‌های شمال آفریقا و نیز نبردهای تحلیل برنده برای فتح مصر توانستند به‌عنوان بزرگ‌ترین نیروی قبایلی غرب جهان اسلام در پیروزی فاطمیان اثرگذار باشند.<sup>۲</sup> قبیله «بربر کتامه»، چنان به دایره قدرت خلافت نزدیک بود که تمام امور آن‌ها توسط یک دیوان ویژه از کتامیان اداره می‌شد.<sup>۳</sup> آن‌ها بدنه اصلی ارتش قبایلی فاطمی در مصر نیز بودند و امتیازات زیادی دریافت می‌کردند. وفاداری آن‌ها منافع بسیاری برای فاطمیان به همراه داشت.

نظام پاتریمونیال ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی دارد که با درک آن‌ها بهتر می‌توان حاکمیت پاتریمونیال فاطمی را مورد ارزیابی قرار داد:

۱. شخصی بودن امر سیاست: جامعه پاتریمونیال مبتنی بر روابط شخصی است؛ جامعه در واقع سبک خانواده گسترده‌ای است که شبکه روابط شخصی و پیوندهای غیررسمی بر آن غلبه دارد.
۲. تقرب: علی‌رغم همه مناصب و مشاغل و عناوین رسمی، تقرب فیزیکی به حاکم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هرکس به وی نزدیک‌تر باشد، موقعیت سیاسی بهتری دارد.

۱. چلونگر، زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان، ص ۷۴-۷۹.

۲. دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۶۰ و ۱۸۰.

۳. همان، ص ۲۰۳.

۳. لیاقت نظامی‌گری: پاتریمونیاال به‌عنوان نوعی اقتدار سنتی، دارای دیوان‌سالاری لشکری و کشوری بزرگی است که به‌هنگام گسترش قلمرو و تبدیل آن به قلمرو فراپاتریمونیاال، نیروی نظامی ایجاد می‌شود تا انجام وظایف عمومی را تضمین کنند.<sup>۱</sup>

۴. توجیه دینی: حاکم؛ خلیفه و سایه خدا بر زمین است و همین اتصال به امور الهی و غیرزمینی، مشروعیت او را توجیه می‌کند.<sup>۲</sup>

این ویژگی‌ها یعنی روابط یک‌سویه قدرت، استبداد رأی و وابستگی ساختار سیاسی و اداری به شخص خلیفه، نقش صوری دیوان‌سالاری، سرسپردگی افراد و تقرب به شخص خلیفه، اتکا به نیروی نظامی و ارتش و سرانجام تکیه بر مشروعیت دینی - الهی خلیفه در قالب نمایندگی و خلیفه‌اللهی او، از ویژگی‌های ساخت نظام پاتریمونیاالیسم است که با خلافت فاطمی و ساختار سیاسی آن حکومت می‌تواند مطابقت داشته باشد. عبیدالله مهدی (۲۹۷-۳۲۲ ق) با تکیه بر نیروهای نظامی متشکل از سران قبایل و کارگزاران خاندان‌های حکومت‌گر که با ابوعبدالله شیعی همراه شده بودند، رقبای سیاسی و حتی باورمندان به برپایی حکومت موعود را از عرصه سیاست بیرون کرد. وی با استقرار در جایگاه خلافت و با داعیه امامت و مهدویت، وعده‌ی حکومت حق و عدالت را که ابوعبدالله شیعی (م ۲۹۵ ق) مبلغ آن بود، کنار گذاشت و با قتل وی روشی خودکامه در پیش گرفت.<sup>۳</sup>

خلفای فاطمی برای نهادینه کردن و استمرار اقتدار سیاسی و نظامی خود و استقرار حکومتی دینی بر مبنای اندیشه امامت در کلام اسماعیلیه، تلاشی مستمر آغاز کردند؛ چنانکه مقام و منصب خلافت را منزلت بخشیدند. تکمیل‌کننده نظام سیاسی فاطمیان، ساختار اداری و دیوانی و نیز نظام قضایی و دادرسی بود که وزیر بر امور اداری، قاضی

۱. بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۶۴.

۲. حجاریان، «ساخت اقتدار سلطانی؛ آسیب‌پذیری‌ها؛ بدیل‌ها»، ص ۴۷-۴۸.

۳. ابن‌حماد، تاریخ فاطمیان، ص ۲۸.

القضات بر امور دین و شریعت و داعی الدعوات بر دادرسی و شکایات نظارت داشت؛ هرچند این ساختار چندان پایدار نبود و با ضعف منصب خلافت، تغییراتی در آن مشاهده می‌شود. آن‌ها نظامی دقیق برای دعوت وضع کردند که روش آموزشی بر اساس علوم باطنی خاص بنا شده بود. شرح و توضیح این علوم را به گروه خاصی از داعیان می‌سپردند. وزیران حامیان نظام دعوت بودند و خلیفه اولین و آخرین تصمیم‌گیرنده بود؛ زیرا او تنها شخصی بود که وارث همه علم لدنی امامت شیعه اسماعیلی به شمار می‌آمد.<sup>۱</sup> از این رو در رأس امور اداری و سیاسی، امام فاطمی - خلیفه - قرار داشت که شیعیان اسماعیلی او را نماینده خداوند بر زمین می‌دانستند که هر قدرتی از او نشئت می‌گرفت.<sup>۲</sup> هرچند خودکامگی سیاسی خلفای فاطمی در دوران تشکیل حکومت در مهدیه و تعصب مذهبی در قبال اهل سنت و اهل ذمه و دور شدن از اهداف اولیه حکومت، آشوب‌ها و شورش‌هایی را به دنبال داشت که پیامد آن بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی بود.<sup>۳</sup>

### تحول حاکمیت پاتریمونالیزم فاطمی به نظام پاتریمونیا - بوروکراتیک

خلفای فاطمی از آغاز تشکیل حکومت به سرزمین مصر به جهت موقعیت جغرافیایی و شرایط مطلوب اقتصادی آن، تحقق آرمان‌های مذهبی و سیاسی و گسترش عقاید اسماعیلی توجه داشتند. از این رو عبیدالله المهدی (۳۲۲-۲۹۷ ق) اولین خلیفه فاطمی برای تصرف مصر، حملاتی به این سرزمین داشت؛ اما مقاومت اخشیدیان (حک ۳۵۴-۳۲۳ ق)، حمایت خلیفه عباسی و بی‌ثباتی سیاسی خلافت فاطمی در پی شورش‌های داخلی و تمرد قبایل بربر به مدت حدود نیم‌قرن فتح مصر را به تعویق انداخت. تبلیغات دعوتگران در گسترش عقاید اسماعیلی در این ناحیه چشم‌گیر بود و در نهایت در پی

۱. مقریزی، المواعظ، ج ۴، ص ۱۵۷.

۲. سجلات مستنصری، سند شماره، ۳۵.

۳. ذیلابی، فاطمیان از خشونت تا رواداری، ص ۷۲.

استیلای بر بغداد (۴۴۷-۳۳۴ ق) و ضعف اقتدار سیاسی خلافت، پرچم قدرت فاطمیان در مصر به اهتزاز درآمد. وجود نیروی انسانی زبده و مجرب در مشاغل مختلف، پیشینه تاریخی و درخشان مصر در سازمان اداری و تشکیلات قضایی، شرایط مطلوب اقتصادی و مالی مصر از جاذبه‌های تصرف مصر برای فاطمیان به شمار می‌رفت. با انتقال مرکز خلافت از شمال آفریقا به مصر، سلطه پاتریمونیالیسم سیاسی فاطمیان به نظام پاتریمونیال- بوروکراتیک تغییر کرد. با ورود فاطمیان به مصر آن‌ها توانستند از امکانات مصر اسلامی از جمله اقلیم خاص با گستردگی سرزمین و موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی مناسب استفاده نمایند. پیش از تسلط فاطمیان بر مصر، دعوتگران فاطمی به رونق اقتصادی و اصلاحات کشاورزی این سرزمین تأکید می‌کردند. داعی فاطمیان، ابوجعفر احمد بن نصر در نامه‌ای خطاب به مصریان به بهبود وضعیت معیشت مردم، سازمان‌دهی اوضاع اقتصادی و حتی کیفیت ضرب سکه و امور مذهبی اشاره کرده است.<sup>۱</sup> به این ترتیب برنامه بوروکراتیزه شدن خلافت پس از ورود به مصر در سرلوحه اقدامات خلفای فاطمی قرار گرفت؛ ساخت شهر قاهره در روند اصلاحات سیاسی و بنای مسجد آن در ادامه فعالیت‌های تبلیغی و مذهبی فاطمیان انجام شد. در واقع به قدرت رسیدن فاطمیان در مصر تغییر شگرف و فوق‌العاده‌ای را موجب گردید. چنانکه دیدگاهی وجود دارد که برخی بنای شهر قاهره را از نشانه‌های اقتدار فاطمیان دانسته‌اند.<sup>۲</sup> بنای جامع الازهر<sup>۳</sup> در حقیقت علاوه بر آنکه تلاش برای تحقق آرمان دینی و محلی برای تبلیغ و گسترش مذهب اسماعیلیه بود،<sup>۴</sup> بر مشروعیت و کاربزمایی قدرت خلافت و نهادینه کردن اقتدار سیاسی و مذهبی و پیشبرد مقبولیت خلفای فاطمی نیز تأکید داشت. هدف

۱. دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ص ۱۱۰.

۲. ویت، قاهره شهر هنر و تجارت، ص ۳۴.

۳. قلقشندی، صبح الاعشی فی الصنایع الانشاء، ج ۳، ص ۳۶۴.

۴. عبادی، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، ص ۲۵۵-۲۵۷.

تبلیغ، تأیید سلطه و حکومت فاطمی در مصر بود تا به روشی غیرقابل انکار، حق رهبری فاطمی در حکومت جهان اسلامی تثبیت شود. گرایش دینی که عصر فاطمی را از دیگر عصرها متمایز کرده بود، باعث شد که امامان این مذهب در رأس حاکمیت مصر قرار گیرند و بدین گونه تلاش‌هایی در جهت محور قرار دادن مذهب فاطمی در زندگی سیاسی، اجتماعی و فکری و ادبی مصریان آغاز گردید به طوری که شناسایی جامعه مصر در عصر فاطمی جز با توجه به عقاید این مذهب ممکن نیست. فاطمیان دانستند که برای تثبیت سلطه بر سرزمین‌های که فتح کرده‌اند، نخست باید عقاید دینی‌شان را استوار سازند. بعد از سلطه بر شمال آفریقا، مصر و شام و احیای علوم و معارف جدید به برتری جنگی‌شان در فرمانروایی بر ملت‌های مطیع، تکیه کردند. این ملت‌ها باید اصول مذهبی دولت را پذیرفته و از آن پیروی می‌کردند،<sup>۱</sup> رویکردی که بعد از فتح مصر، معتدل و دگرگون گردید؛ بنابراین در تأسیس دولت فاطمی، فعالیت نظامی و تبلیغ دینی، نقشی یکسان داشت.<sup>۲</sup>

نخستین گام از عوامل تأثیرگذار بر تکوین و گسترش و کارکرد سازمان اداری، تشکیل حکومت مقتدر است. با گسترش کمی وظایف اداری در حیطه قدرت سیاسی، وجود حکومتی مقتدر زمینه بوروکراتیزه شدن سازمان‌های اداری را فراهم می‌کند. پیش‌تر گفته شد که نظام سیاسی پاتریمونیال به لحاظ ساختاری، دارای گرایش‌هایی است که «وبر» آن را در عرصه تاریخی و مطابق با واقعیات تاریخی مورد مطالعه قرار داده است. سیادت سیاسی پاتریمونیال - بوروکراتیک از دو مفهوم متضاد پاتریمونیال به عنوان نظام سنتی شخصی و بوروکراتیک به عنوان نظام عقلانی غیرشخصی شکل گرفته است که حاصل تحول نظام پاتریمونیال به دنبال پیچیدگی و گستردگی نظام اداری و وسعت قلمرو سیاسی است.

۱. عطاءالله، حیاة الفکرية فی مصرفی العصر الفاطمی، ص ۱۰۶.

۲. ماجد، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، ج ۲، ص ۱۷۷-۱۷۸.

از نگاه «وبر» تداوم ساختار اداری و دیوان‌سالاری از نکات برجسته در سازمان اداری است که با تغییر دودمان و وقوع انقلاب و تحولات سیاسی در جامعه، نظام اداری همچنان تداوم می‌یابد. الگوبرداری اعراب از سازمان اداری و سیاسی ساسانی و بیزانس، استمرار نظام دیوان‌سالاری اتابکان و سلجوقیان (۵۲۵-۴۴۷ ق) در دوران ایوبی (۶۴۸-۵۶۷ ق) و تقلید ממالیک از شیوه حکومتی و اداره‌های ایوبی،<sup>۱</sup> نمونه‌هایی از تداوم روند نظام بوروکراسی حکومت‌های پیشین در ساختار اداری نظام‌های جدید است. نظام اداری در مصر عصر فاطمی نیز در حقیقت تقلیدی کامل از نظام اداری عباسیان بود. این ساختار بر اساس طبع مذهب تسنن ریشه گرفته و از نظر سیاسی، اجتماعی و اداری در عهد سلطه حکومت‌های طولونی (۲۹۲-۲۵۴ ق / ۹۰۵-۸۶۸ م) و اخشیدی (۳۵۸-۳۲۳ قمری/ ۹۶۹-۹۳۵ م) در مصر ادامه یافت و نهادینه گردید.

با فتح مصر و گسترش قلمرو خلافت و تداوم و تکامل ساختار اداری و سیاسی، سیادت پاتریمونیال فاطمی به نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک تحول یافت. از این‌رو خلافت فاطمی برای سازمان دهی امور اداری امپراتوری خود، دیوان‌سالاری برجسته‌ای ایجاد کرد و بیش از هر چیز به تمرکزگرایی در امور دیوانی علاقه نشان داد.<sup>۲</sup> در عصر فرمانروایی فاطمیان بر مصر علاوه بر ابقای دیوان‌های اداری قبلی به دلیل نیاز حکومت و در پی گسترش امور اداری و درباری، دیوان‌های جدیدی تأسیس شد.<sup>۳</sup> طبق نظر «وبر» در نظام پاتریمونیال با گستردگی قلمرو و رشد فزاینده امور اداری و تداوم آن، مشاغل جدیدی به وجود می‌آید. با ورود المعز فاطمی (۳۶۲ ق) به مصر، فعالیت‌های سیاسی، مذهبی، دینی و نظامی خلافت، شتاب بیشتری گرفت. به دستور خلیفه، قاضی نعمان (۳۶۳-۲۸۳ ق)

۱. فؤاد سید، الدوله الفاطمیه فی مصر، ص ۲۵۵.

۲. ماجد، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، ج ۲، ص ۹۶.

۳. همان.

مجموعه و رسایل فقهی دعوت اسماعیلیه را تدوین کرد. برای نخستین بار در دوران خلافت فاطمی، منصب وزارت به وجود آمد و یعقوب کلس (م ۳۸۰ قمری) از سوی المعز فاطمی به عنوان وزیر و با لقب الوزیر الاجل منصوب شد.<sup>۱</sup> با شکل‌گیری نهاد وزارت، قدرت خلیفه محدود و با گستردگی و پیچیدگی دیوان‌سالاری، تمرکز قدرت از خلفا به وزیر و صاحب‌منصبان دیوانی منتقل گردید. تقویت سازمان دفاعی مصر با ساخت کارخانه کشتی‌سازی و تشکیلات نیروی دریایی، کمک شایانی به بوروکراتیزه شدن و اقتدار سیاسی نهاد خلافت کرد. در دوران ثبات سیاسی مصر، دولت به بخش تشکیلات مالی نیز توجه بسیار نمود. رونق کشاورزی و صنعت، بهبود وضع معیشتی مردم و فراگیر شدن اصناف متنوع از نشانه‌های رویکرد اقتصادی خلفای فاطمی است.<sup>۲</sup> از سوی دیگر تأمین نظم و امنیت و رفاه اجتماعی از متغیرهای مهم و اثربخشی است که سبب تکامل و پایداری سازمان اداری شد. با ورود جوهر صقلی<sup>۳</sup> به مصر، امان‌نامه‌ای برای عموم مردم قرائت شد که علاوه بر مصونیت جانی و مالی، در آن، آزادی‌های دینی و مذهبی محترم شمرده شده بود. در جامعه مصر بعد از اهل سنت، اهل ذمه مهم‌ترین گروه اجتماعی را تشکیل می‌دادند. فاطمیان، اهل سنت را که به لحاظ جمعیت در شمال آفریقا و همچنین مصر بسیار بودند، در تنگنای سیاسی قرار دادند و در بیشتر موارد آن‌ها را از انجام فعالیت‌های سیاسی منع کردند.<sup>۴</sup> برخلاف اهل سنت، حضور پررنگ اهل ذمه به عنوان

۱. مقریزی، المواعظ، ج ۲، ص ۴۴۳؛ قلقشندی، صبح الاعشی فی الصناعات الانشاء، ج ۳، ص ۴۷۹.

۲. چلونگر، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، ص ۱۸۵.

۳- همدانی، بین انقلاب و دولت؛ مسیر تشکیل دولت فاطمی؛ قاضی نعمان و توجیه مشروعیت حکومت فاطمی، ص ۱۸۹.

۴. کامل‌حسین، فی ادب مصر الفاطمیه: ۱۳۱.

طبقه‌ای زبده در دربار خلافت فاطمی علاوه بر حفظ تعادل جامعه به جهت استفاده از تجارب و کارآمدی ایشان در امور اداری و مالی بود. ذمیان و قبطیان مصری در اقتصاد و اداره دیوان‌ها و تشکیلات اداری نقش مهمی بر عهده گرفتند و در عرصه‌های مختلف سیاسی - اقتصادی رشد کردند و به مناصب عالی حکومتی رسیدند<sup>۱</sup> و شیوه روشمند و نظام قانونمند ایشان در امور مالی و اداری مصر، پایه‌های اصلی دیوان‌سالاری منسجم و پیچیده دولت فاطمی را به وجود آورد،<sup>۲</sup> به گونه‌ای که دوران خلافت العزیز بالله فاطمی (۳۶۵-۳۸۶ ق) را عصر بهره‌مندی اهل ذمه از آزادی‌های دینی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

#### سلطانیسم؛ عصر سلطه امیران نظامی بر حاکمیت فاطمی

«وبر» به ساختار نظامی دولت‌های اسلامی پاتریمونیا که بر مبنای قوای غلامان بود، توجه داشت و عنوان «سلطانیسم» را پیشنهاد کرده است. در نظام پاتریمونیا، امور اداری و نظامی حکومت تحت نظارت فرمانرواست؛ و تمام مقامات حکومت تابع شخص فرمانروا هستند؛ اما زمانی که به تدریج قدرت مقامات گسترش یابد و بر شخص حاکم مسلط گردند، فرمانروا اقتدار مقامات را برای قدرتش تهدیدی بالقوه دانسته و تلاش می‌کند استقلال صاحبان قدرت را به حداقل برساند؛<sup>۴</sup> و حتی اقدام به برکناری و قتل آنان می‌کند.<sup>۵</sup> بنابراین، این امر سبب جابجایی سریع کارگزاران و بی‌ثباتی سیاسی می‌شود که از

1. Ashtor, 197, p1926.

۲. ذیلایی، فاطمیان از خشونت تا رواداری، ص ۸۹-۹۰.

۳. همان، ص ۱۰۱.

۴. بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۷۵.

۵. ترنر، وبر و اسلام، ص ۱۵۸.

ویژگی‌های جوامع پاتریمونیاال به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> البته از علل دیگری که فرمانروا اقدام به برکناری مقامات دولتی و صاحب‌منصبان می‌کرد، تلاش آنان برای موروثی کردن مناصب بود و یا درصدد بودند تا امتیازات یا وظایفی را که در ازای مبلغ یا خواست فرمانروا به دست آورده بودند برای خود مادام‌العمر کنند؛<sup>۲</sup> که در پی وقوع آن از لحاظ سنتی میان خلیفه و مقامات جدایی اتفاق می‌افتاد. «واکر» در پژوهش خود درباره نشانه‌های ضعف اقتدار خلافت فاطمیان علاوه بر رقابت‌های سیاسی به طبقه‌ای از نخبگان اجتماعی و دیوان‌سالاران اشاره می‌کند که پست‌های سیاسی را به خود اختصاص داده بودند.<sup>۳</sup> از این رو در نظام پاتریمونیاال، صرف وجود دیوان‌سالاری، نمی‌توانست نظام قدرتمند سیاسی به وجود آورد و حکومت نیازمند نیروی وفادار بود. قوای نظامی در سلطه پاتریمونیاالیسم از ابزار اساسی اعمال سلطه محسوب می‌شد.<sup>۴</sup> با توجه به دیدگاه «وبر»، در حاکمیت پاتریمونیاال دو نوع قوای نظامی (ارتش) حضور دارند؛ پاتریمونیاال و غیرپاتریمونیاال. نیروی‌های نظامی پاتریمونیاال ویژگی جنگاوری و خصلت حرفه‌ای در جنگ دارند و دستمزد آنان به طور غیرمستقیم از خزانه و دیگر منابع عایدات فرمانروا (پادشاه) تأمین و تجهیز می‌شود. این نظامیان تنها از شخص حاکم فرمان می‌گیرند و به شخص حاکم وفادارند؛ اما قوای نظامی غیرپاتریمونیاال تجهیزات و مخارج را خودشان تأمین می‌کنند و حرفه‌ی آنان، نظامی‌گری نبوده و تنها به هنگام جنگ به خدمت خوانده می‌شدند، از آن رو به طور مستقیم تابع حاکم پاتریمونیاال-بوروکراتیک نبودند.<sup>۵</sup> «وبر» معتقد است:

۱. همان، ص ۱۵۹.

۲. اشرف، ص ۹۱؛ بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۷۸.

۳. واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ص ۷۶.

۴. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۸۹.

«نظام سربازگیری حکومت دینی شبه جزیره که به طور قبیله‌ای سازمان یافته بود، سرانجام در سال ۲۱۸ ق (۸۳۳ م) فروپاشید. پس از این فروپاشی، خلافت و اکثر حکومت‌هایی که پس از تجزیه آن در شرق پدید آمدند، قرن‌ها بر سپاهیان از بردگان خریداری شده، متکی بودند، از این رو خلفا از سربازگیری ملی و نظم غیردقیق زمان صلح آن مستقل شد و ارتشی منظم ایجاد کرد»<sup>۱</sup>.

بررسی نهاد ارتش فاطمیان نشانگر آن است که نیروی نظامی فاطمیان از آغاز شکل‌گیری، مشخصه پاتریمونیال داشته است. رویکرد نظامی خلافت و استفاده از غلامان به عنوان نیروهای نظامی به عنوان مصداقی از سپاهیان پاتریمونیال در دایره قدرت خلافت فاطمی نتایج متفاوتی در ساختار سیاسی و اداری حکومت در برداشت که مهم‌ترین پیامدی که در برداشت آن بود که در اواخر عهد خلافت، نیروهای سپاهی و ارتش تقریباً جوانب دولت و اداره آن را بر عهده گرفت.

پیش از واکاوی رویکرد نظامی حکومت فاطمی باید اشاره کرد که «وبر» در توصیف سیر دگرگونی نظام پاتریمونیال به نظام «سلطانیسم» دو تحلیل متفاوت ارائه داده است. نخست آنکه از نظر وی سلطه سلطانیسم صرفاً محدود و منوط به سیطره نظامیان بر سیاست و تشکیلات اداری نخواهد بود، بلکه در مواردی ماهیت مستبد و قدرت سیاسی حاکم در نظام‌های سنتی نیز منجر به شکل‌گیری نظام سلطانی می‌شود. زمانی که نظام پاتریمونیال از حیطة سنت‌های موجود که در واقع منابع اقتدار و مشروعیت این نوع سیادت است، فاصله گرفته و به سمت خودکامگی و اختیارات مطلقه فردی گرایش یابد، ساختار پاتریمونیال به «سلطانیسم» بدل می‌شود. «وبر» معتقد است در نظام ساسی اگر اقتدار در وهله اول دارای مبنای سنتی باشد، اقتدار «پاتریمونیال» نامیده می‌شود، اما اگر قدرت سیاسی بر اساس اراده خودسرانه و آزاد و به فراتر از محدودیت سنتی و اقتدار تأکید

۱. ترنر، وبر و اسلام، ص ۲۲۴.

داشته باشد، نظام سلطانی است.<sup>۱</sup> «ترنر» معتقد است که هرگاه اقتدار پاتریمونیاال بر اراده مستبدانه و خودکامگی حاکم تأکید کند، نظام سلطانیسم شکل می‌گیرد.<sup>۲</sup> با این توصیف عصر شکل‌گیری خلافت در شمال آفریقا عصر سلطانیسم حاکمیت سیاسی خلفای فاطمی یا دوره استبداد دینی امامان فاطمی است که خلیفه بر قدرت سیاسی و ساختار دینی تسلط کامل دارد. شاید به سبب رویکرد انحصاری خلفای فاطمی به قدرت و ویژگی استبدادی بود که در این دوره نهاد وزارت پدید نیامد؛ در حقیقت نظام اداری وزارت مطلقاً در دوره حکومت فاطمیان در مغرب، شناخته و تعریف نشد،<sup>۳</sup> اما حضور فاطمیان در مصر، عصر تقسیم قدرت و خارج شدن تمرکز از نظارت کامل خلیفه و مشارکت صاحب‌منصبان اداری در اداره امور سیاسی مملکت است.

#### غلبه امیران نظامی بر نهاد سیاسی خلافت

تعریف دیگر «وبر» از «نظام سلطانی» آن است که در درون سلطه پاتریمونیاالیسم روند دیگری شکل می‌گیرد که در آن سیاست‌های نظامی‌گرایانه افراطی در پیش گرفته می‌شود. در حقیقت سلطانیسم ساختاری متفاوت از نظام پاتریمونیاالیسم نیست، بلکه افراطی‌ترین گونه اقتدار پدرسالار و موروثی (پاتریمونیاال) است. هنگامی که حاکم پاتریمونیاال از سنت به‌عنوان مبنا و اساس مشروعیت به سمت سیاست‌های خودکامه و نادیده گرفتن سنت‌ها گرایش پیدا کند، نظام سلطانیسم شکل می‌گیرد. توضیح آنکه در این نوع از سلطه، حاکم با قطع پیوند با دیگر منابع قدرت در واقع اقتدار و مشروعیت را در نظام حکومتی به نفع قدرت نظامی کنار می‌گذارد و به‌طور کامل متکی به حمایت ارتش پاتریمونیاال می‌شود.

۱. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۷۱؛ بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۶۸.

۲. ترنر، وبر و اسلام، ص ۱۵۹.

۳. حمدی المناوی، الوزراء و الوزراء فی عصر الفاطمی، ص ۳۳.

روندی که در آن قوای نظامی کاملاً جنبه پاتریمونیاال داشته و در انحصار شخص حاکم و وفادار به او هستند. در این روند با تکیه بیش از حد حاکم به نیروهای سپاهی، نظامیان سیاست نظامی افراطی گرایانه در پیش گرفته و اقدام به عزل و نصب فرمانروا می کنند و گاهی با مرگ فرمانروا یا افول قدرت وی، فروپاشی سلطه سیاسی و ظهور ناگهانی قدرت سیاسی دیگر را به همراه دارد. اشاره شد در نظام پاتریمونیاال بوروکراتیک فاطمی، تخصیص مناصب حکومتی در انحصار سه طبقه دیوانیان، نظام قضایی و دادرسی قرار گرفته بود. سیادت پاتریمونیاال به عنوان نوعی اقتدار سنتی، دارای تشکیلات اداری و نظامی است که به هنگام گسترش قلمرو و تبدیل آن به قلمروی فراپاتریمونیاال نیازمند نیروی وفادار نظامی است که به شخص حاکم سرسپردگی و ارادت دارد.<sup>۱</sup> از این رو خلفای فاطمی از آغاز حاکمیت در صدد ایجاد ارتشی منظم برآمدند. اقتدار حاکم در نظام پاتریمونیاال به واحد نظامی و ساختار اداری است که به شخص فرمانروا وفادارند.

ارتش و ساختار نظامی خلافت فاطمیان از ویژگی خاصی برخوردار بود که آن را از حکومت های هم عصر خود متمایز می کرد. به کارگیری نیروهای نژادی متنوع، انتظام بخشیدن به تشکیلات ارتش و در نهایت اعتلای این نهاد به عنوان مهم ترین رکن حکومت از جمله شاخصه های تشکیلات نظامی فاطمیان بود.<sup>۲</sup> خلافت فاطمی در شمال آفریقا با تکیه بر توان جنگاوری و وفاداری ارتش قبایلی «بربرهای کتامه» قدرت گرفت. سازمان دهی ارتش زمینی و دریایی قدرتمند منجر به گسترش قلمرو حکومت و اقتدار سیاسی و نظامی دستگاه خلافت گردید و با همراهی سپاهیان قبیله ای «بربر»، مصر فتح شد. از این رو «بربرهای کتامه» بدنه اصلی سازمان نظامی خلافت فاطمی را تشکیل می دادند؛ بنابراین خلافت فاطمی به مانند نظام های سیاسی پاتریمونیاال که علاوه بر

۱. بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۶۴، ۳۶۸

۲. دهقان، «بررسی تشکیلات نظامی و جایگاه ارتش در خلافت فاطمی»، ص ۷۸

تشکیلات اداری از سازمان لشکری (نظامی) که از وسایل و ابزارهای اساسی برای اعمال قدرت و اداره امور حکومت پاتریمونیاال است، برخوردار بود. با آغاز خلافت طولانی مدت المستنصر (۴۲۷-۴۸۷ ق) که دوره عبور از ثبات و سرآغاز ضعف نهاد خلافت به شمار می‌رود، زمینه‌ای درون حاکمیت به وجود آمد که به لحاظ ساختاری آن را متحول ساخت و سلطه پاتریمونیاالیسم - بوروکراتیک فاطمی رویکردی نظامی گرفت که از آن به نظام سلطانیسم تعبیر می‌شود. به دنبال شکست فاطمیان در برابر سلجوقیان، سيطرة فرماندهان، فتنه و رقابت‌های نظامیان ترک، سودانی و درنهایت ورشکستگی اقتصادی مصر و قحطی که در تاریخ به بحران بزرگ معروف شده است،<sup>۱</sup> موجب وخامت امور خلافت گردید. خلیفه المستنصر برای احیای قدرت و بهبود وضعیت به «بدر الجمالی» والی عکا پناه برد.<sup>۲</sup> «بدر» به سال ۴۶۶ ق وارد مصر شد و در اندک زمانی پس از بازگرداندن آرامش و نظم و امنیت به خلافت بر امور مسلط گردید و خلیفه لقب «امیرالجبوش» و «کامل قضات المسلمین و هادی دعوات المؤمنین» به او بخشید.<sup>۳</sup> در حقیقت خلیفه با اعطای عناوین به وزیر سپاهی، بخشی از قدرت سیاسی و اداری خود را به آنان تفویض کرد. «بدر» چنان قدرتی گرفت که امور قضا و دعوت فاطمی هم به او واگذار شد.<sup>۴</sup> مقریزی در گزارش خود از سندی یاد کرده است که حیطة نظارت «بدر» را به هنگام تفویض مقام وزارت نشان می‌دهد: «امیرالمؤمنین تدبیر همه کارهایش را به تو سپرده و اشراف همه آنچه را که پشت تختش رخ می‌دهد به تو واگذار کرده است. پس به کاری که امیرالمؤمنین به تو واگذار کرده، اقدام کن، فساد را اصلاح و اهل دشمنی را نابود کن».<sup>۵</sup>

۱. ابن طویر، نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین، ص ۴۳.

۲. حمدی المناوی، الوزراه و الوزراء فی عصر الفاطمی، ص ۳۷.

۳. مقریزی، المواعظ، ج ۲، ص ۴۴۳؛ ابن طویر، نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین، ص ۴۳، ۴۷.

۴. واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ص ۸۷.

۵. مقریزی، المواعظ، ج ۱، ص ۴۴۰.

با انتخاب «بدرالجمالی» به وزارت، عصر سلطه وزیران نظامی آغاز گردید. عصری که علاوه بر تسلط وزیران بر امور داخلی و سیاسی، تعیین خلیفه و عزل و گاه قتل وی با دسیسه وزیران انجام می‌گرفت.<sup>۱</sup> با اقتدار نظامیان وزیر، انحطاط فرهنگی و سیاسی خلافت شدت یافت و فرایند تدریجی سقوط و ضعف فراهم گردید. وزیران از میان فرماندهان سپاه انتخاب شدند که مهم‌ترین مقام اجرایی حکومت فاطمی بودند. خلیفه مقامی صوری و تشریفاتی یافت و در امور سیاسی دخالت نمی‌کرد و از قدرت و اعتبار چندانی برخوردار نبود. سیطره نظامیان بر تشکیلات سیاسی و اداری حکومت و نتایجی که این سلطه برای حکومت به همراه داشت از دید بزرگانی چون المؤیدفی‌الدین شیرازی (۳۹۰-۴۷۰ ق) داعی الدعات پنهان‌نماند و او در یادکردش به پیامد این امر اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

در ساختار سیاسی خلافت فاطمی بعد از خلیفه، تشکیلات اداری، نهاد قضایی، ساختار دادرسی و شکایات قرار داشتند که در حقیقت علاوه بر کنترل امور سیاسی سبب تقسیم قدرت نیز می‌شد؛ اما نفوذ و سیطره نظامیان بر حکومت سبب به هم خوردن تعادل و توازن قدرت در نظام پاتریمونیال فاطمی گردید. رقابت‌های رجال و صاحب‌منصبان دیوانی و اختلاف دیوانیان با یکدیگر و واگرایی تعاملات ساختار دیوانی و سازمان نظامی<sup>۳</sup> سرآغاز حذف تدریجی خاندان‌های اداری و همچنین ضعف نسبی حفظ تعادل پایدار قدرت در خلافت فاطمیان شد.<sup>۴</sup> چنانکه در نظام اداری خلافت، دیوان‌های نظامی مانند الجیش،

۱. واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ص ۹۳.

۲. المؤید فی دین الله، ص ۸۰-۸۴.

۳. یوسفی‌فر، «تعامل دیوانیان و نظامیان در دوره اول خلافت فاطمیان در مصر»، ص ۱۳۲.

۴. برای آگاهی بیشتر از تعامل و تقابل دیوانیان و نظامیان در عصر فاطمی رجوع شود به: یوسفی‌فر و دیگران، «تعامل دیوانیان و نظامیان در دوره اول خلافت فاطمیان در مصر»، مجله تاریخ اسلام و ایران (علمی-پژوهشی)، سال ۲۲، شماره ۱۵، پیاپی ۱۰۳، پاییز ۱۳۹۱، صص:

اقطاع و الرواتب و مجلس در سلسله مراتب اداری شکل گرفت.<sup>۱</sup> وظایف این دیوان‌ها که اداره امور سپاهیان بود، شاهدهی بر رشد فزاینده نظامی شدن حکومت از قرن چهارم به بعد است.

### فرجام نظام پاتریمونیالیسم فاطمی

چگونگی اداره ایالات و نفوذ و نقش دیوان‌سالاری مرکزی به‌عنوان نمادی از نظام پاتریمونیال-بوروکراتیک در نواحی، اهمیت بسیار داشت. قدرت حاکم در ایالت‌ها به‌صورت غیرمستقیم است و ایالت‌های دور از مرکز از نظارت مستقیم شخص حاکم بیرون بود و توسط والیان اداره می‌شد.<sup>۲</sup> گسترده‌گی قلمرو دولت پاتریمونیال از مشکلاتی بود که فرمانروا به‌سختی می‌توانست بر تمام قلمرو سرزمین خود نظارت مستقیم داشته و به‌اجبار اداره بخش‌هایی از حکومت را به والیان واگذار می‌کرد. بُعد مسافت و ضعف در امور نظارتی از جمله زمینه‌های مساعدی بود که امیران را به استقلال سوق می‌داد. در ایالت‌های دور، دیوانیان پاتریمونیال با گرایش به جدایی و استقلال زمینه تجزیه و تقسیم اقتدار سیاسی فرمانروا را موجب می‌شوند و نظام پاتریمونیال-بوروکراتیک به سبب ضعف ساختار و تشکیلات اداری نمی‌تواند مانع از تجزیه قلمرو خود گردد.<sup>۳</sup> در این زمان تنها روش شخص حاکم در سلطه پاتریمونیال، استمداد از مشروعیت الهی و دینی بود که می‌توانست به سلطه خود تداوم بخشد. چنانکه با انتقال مرکز خلافت به مصر کم‌کم زمینه برای استقلال این ناحیه از خلافت فاطمی فراهم شد و والی دست‌نشانده فاطمی در مغرب، دولت زیریان (۵۴۳-۳۶۲ ق) را تأسیس کرد. گرچه خلیفه در نظام پاتریمونیالیسم فاطمی چنان قدرت و اعتباری در تشکیلات حکومتی داشت که قدرت‌های رقیب را در

۱. دهقان، «بررسی تشکیلات نظامی و جایگاه ارتش در خلافت فاطمی»، ص ۸۸-۹۰.

2. Weber, *Economy and Society*, Vol.2, P: 1013.

۳. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۴۲۵.

عرصه دینی و سیاسی حذف یا آن‌ها را در تشکیلات پاتریمونیال به خدمت خود درآورد، اما امیران زیری<sup>۱</sup> (۴۴۳ ق) در دوران امارت خود چندی از حاکمیت خلیفه فاطمی روی برتافته و مطیع عباسیان شدند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، جدایی مناطق شام و یمن از مصر را می‌توان به‌عنوان نمونه دیگر استقلال ایالت‌ها از حکومت مرکزی یاد کرد. خاندان حکومتگر صلیحیان (۵۳۲-۴۳۹ ق) با ایدئولوژی اسماعیلی و با طرفداری از فاطمیان مصر تأسیس شد. حاکمان این دودمان با تبعیت بی‌چون‌وچرای از خلفای فاطمی و حفظ منافع دربار فاطمیان سبب شد که یمن به‌عنوان یکی از نواحی تحت سیطره خلافت فاطمی محسوب شود. پس از مرگ المستعلی و شکاف بین اسماعیلیان مصر به دوشاخه طیبی و حافظی با حمایت حاکم صلیحی از امامت طیب، یمن از خلافت مصر جدا شد.<sup>۳</sup> از این‌رو در ولایت‌های دوردست، والیان با سرباززدن از اطاعت فرمانروا، زمینه تدریجی تقسیم اقتدار سیاسی حاکمیت را موجب می‌شوند.

### فروپاشی نظام پاتریمونیالیسم فاطمیان

خلافت فاطمی از آغاز رویکرد نظامی داشت و با اقتدار وزیران سپاهی، جنبه نظامی‌گری خلافت، نمود بیشتری یافت. با استیلای سپاهیان بر حکومت و سیاست‌های افراطی آنان سلطه پاتریمونیالیسم فاطمی که مفهوم سلطانیسم گرفته بود، تضعیف و درنهایت منقرض شد. «وبر» به تحولات و تغییرات نظام پاتریمونیال در جوامع اسلامی اشاره‌ای نمی‌کند. با توجه به تفاوت ساختاری روند دگرگونی‌های جوامع غربی با حکومت‌های اسلامی، تطبیق تحولات شکل‌گرفته در نظام پاتریمونیال غربی با جوامع اسلامی، فاقد کارایی لازم خواهد

۱. دولت زیریان (۵۴۳-۱۱۴۸/۳۶۱-۹۷۲) در نواحی تصرفی فاطمیان در شمال آفریقا حکمرانی داشتند.

۲. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۱۶۱.

۳. باسورث، سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی، ص ۱۴۲.

بود. «وبر» در فرجام نظام پاتریمونیاال نوشته است که گسترش دریافت مالیات از مردم و نابسامانی اوضاع اقتصادی، غلبه نظامیان بر سازمان‌های اداری و درنهایت نظامی شدن فزاینده امپراتوری موجبات گسترش اقطاع یا تجزیه و سقوط حکومت فراهم می‌شود.<sup>۱</sup> برافتادن فاطمیان توسط صلاح‌الدین ایوبی (م ۵۸۹ ق) وزیر سنی مذهب در حقیقت پیامد تغییراتی بود که پیش‌تر جامعه مصر با آن روبرو شده بود. وزیران فاطمی نقشی مهم در نظام دعوت ایفا کردند و تأثیر بسیاری در تاریخ عقیده و زندگی دولت داشتند. آنان در نیمه دوم عصر خلافت به نظام دعوت و سازمان قضاوت مسلط شدند و بر مذهب اسماعیلی سیطره کامل یافتند؛ اما بعد از مدتی بزرگ‌ترین وزیران، اسماعیلی نبودند و این باعث ضعف مذهب اسماعیلی شد.<sup>۲</sup> ضعف نهاد خلافت، غلبه نظامیان بر حکومت، فروپاشی نهاد وزارت و در رأس آن انحطاط منصب وزارت،<sup>۳</sup> حذف خاندان‌های دیوانی، افزایش بحران‌های سیاسی، انشعابات درونی امامت فاطمی که از زمان المستعلی (۴۸۷-۴۹۵ ق) به وجود آمد، ضعف بنیه اقتصادی، نارضایتی اتباع سنی که زمین را بر آنان ترجیح داده بودند، دستاورد عصر سلطانیسم خلافت به شمار می‌رود که درنهایت با تضعیف ساختار سیاسی و نظام اداری، فروپاشی و سقوط دولت پاتریمونیاال فاطمی را به دنبال داشت.

به نوشته «وبر» فروپاشی نظام‌های پاتریمونیاال به شکل اداری یا موروثی است. در نوع اداری با تضعیف اقتدار حکومت مرکزی و ضعف ساختار اداری، کم‌کم گرایش والیان به سمت جدایی و استقلال پیش می‌رود؛ اما تجزیه موروثی، تجزیه درونی است و افراد

۱. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۴۳۰.

۲. حمدی المناوی، الوزراه و الوزراء فی عصر الفاطمی، ص ۱۳۴.

۳. در اواخر حکومت فاطمیان، منصب وزارت چنان افول یافت و کسی بدین مقام می‌رسید که قدرت بیشتری داشت، جز «با جنگ و قتل و دسیسه» نبود. ابن اثیر، التاریخ فی الکامل، ج ۵،

خود خاندان موجب فروپاشی حکومت می‌شوند. «وبر» تجزیه نظام پاتریمونالیسم جوامع اسلامی را از نوع اداری دانسته است که با تصاحب مناصب توسط امرای غلامی انجام می‌گیرد. به نظر او تجزیه موروثی در دولت‌هایی است که خاستگاه ایلی و قبیله‌ای دارند، بنابراین در جوامع شرق اسلامی اتفاق نمی‌افتد؛ اما پژوهش درباره خاستگاه دولت‌های اسلامی و سقوط آن‌ها نشانگر آن است که تقریباً دولت‌های اسلامی و ایرانی از غزنوی و سلجوقی گرفته تا قاجار به جز دولت صفوی خاستگاه ایلی داشتند و از طرفی سقوط دودمان اموی، خاندان حکومتگر سامانی و بویهی به سبب کشمکش اعضای خاندانی بر سر قدرت بوده است؛ اما سقوط نهایی نظام پاتریمونالیسم فاطمی را باید از نوع اداری دانست که به سبب ضعف ساختار درونی خلافت و اقتدار وزیران نظامی، قدرت خلیفه محدود شد و در نهایت وزیر نظامی برآمده از نوع تشکیلات اداری و سیاسی، توانست حکومتی جدید تأسیس کند.

### نتیجه‌گیری

نگاهی به نظریه اقتدار سنتی «ماکس وبر» و تطبیق آن با خلافت فاطمی می‌توان مشخصات انطباق را در آن یافت. مطالعات نشان می‌دهد که اندیشه اسماعیلی فاطمی در بین عناصر «بربر» و منطقه خالی از قدرت سیاسی متمرکز شمال آفریقا منجر به انحصارطلبی قدرت و تشکیل سپاه قبایلی قدرتمند از نژادی جدید شد و وارد تمدن اسلامی گردید که گستره غرب جهان اسلام را آماده تشکیل حکومتی دیوان‌سالار و قدرتمند گردانید که توانست خلافت اسلامی شرق را از نظر سیاسی، نظامی و مذهبی به چالش بکشد. از این رو با تصرف شمال آفریقا توسط خلافت اسماعیلی و انحصارطلبی قدرت، همراهی عناصر «بربر» این منطقه و تشکیل دیوان‌سالاری منسجم و کارآمد، عناصر شکل‌دهنده نظام پاریمونالی فاطمی فراهم گردید. سیطره بر مصر، ورود به منطقه‌ای که آستانه قدرت شرق و غرب جهان اسلام محسوب می‌شد و گسترش قلمرو حکومت فاطمی، عناصر پاتریمونالی بوروکراتیک مانند گستره قلمرو، تمرکز سیاسی، رفاه

اجتماعی و اقتصادی و تحولات تمدنی که از عوامل تأثیرگذار در استمرار، پیشرفت و تمرکز بوروکراسی است سبب گردید که خلافت مشخصات پاتریمونیاال - بوروکراتیک بروز دهد. اقتدار نظام پاتریمونیاال - بوروکراتیک خلافت فاطمی به سبب رقابت دیوانیان، کشمکش‌های درونی، بحران مالی، تجزیه‌طلبی مذهبی به‌تدریج رو به ضعف نهاد و خلافت را با چالش‌های عمیقی روبرو گردانید. بدین گونه نظام پاتریمونیاال - بوروکراتیک فاطمی به‌سوی نظامی‌گری پیش رفت و با یاری گرفتن از ارتش که از ابزار دیگر قدرت سیاسی فرمانروای پاتریمونیاال بود، درصدد احیای اقتدار سیاسی از دست‌رفته برآمد. واگذاری بخشی از قدرت سیاسی و مذهبی خلیفه به فرماندهان نظامی، سبب شکل‌گیری روند دیگری از سلطهٔ اقتدار سنتی یعنی سلطانیسم گردید. اقتدار امیران نظامی، تقابل دیوانیان و نظامیان، نبود تمرکز اداری و درنهایت از میان رفتن مشروعیت سیاسی نهاد خلافت مقدمهٔ ضعف و فروپاشی تدریجی حکومت پاتریمونیاال فاطمی بود.

## منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵ ق، ۱۹۶۵ م.
۲. ابن حماد، محمد بن علی، تاریخ فاطمیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، جلد اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، جلد پنجم، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۴. ابن طویر، ابو محمد مرتضی عبدالسلام بن حسن قیسرانی، نزهه المقلتین فی اخبار الدولتین، تحقیق ایمن فؤاد سید، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۲ م.
۵. اشرف، احمد، جامعه‌شناسی ماکس وبر، تهران: نشر هومن، ۱۳۵۷ ش.
۶. باسورث، کیفورد ادموند، سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز باستان‌شناسی اسلام و ایران، بی‌تا.
۷. برزگر، ابراهیم، تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۸. بندیکس، رینهاد، سیمای فکری ماکس وبر، ترجمه محمود رامبد، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۲ ش.
۹. پارکین، فرانک، ماکس وبر، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: ققنوس، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. ترنز، برایان، وبر و اسلام، ترجمه حسین بستان و دیگران، قم: انتشارات حوزه و پژوهشگاه، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. جان احمدی، فاطمه، ساختار نهاد دینی فاطمیان در مصر، تهران: نشر علم، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. چلونگر، محمدعلی، زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. حجاریان، سعید، «ساخت اقتدار سلطانی؛ آسیب‌پذیری‌ها؛ بدیل‌ها»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۳۷۴، شماره ۹۱-۹۲، ص ۴۸، ۴۷.
۱۴. حمدی المناوی، محمد، الوزاره والوزراء فی العصر الفاطمی، قاهره: دارالمعارف بمصر، ۱۹۷۰ م.
۱۵. دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه، ۱۳۷۶.

۱۶. \_\_\_\_\_، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه، ۱۳۷۸.
۱۷. دهقان، معصومه، «بررسی تشکیلات نظامی و جایگاه ارتش در خلافت فاطمی»، مطالعات تاریخی جنگ، دوره دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷ ش. صص ۷۷-۹۴.
۱۸. ذیلابی، نگار، فاطمیان از خشونت تا رواداری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶ ش.
۱۹. شهابی، هوشنگ و دیگران، نظام‌های سلطانی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. شیرازی، الموید فی الدین، السیره المویديه، ترجمه حیاته بقلمه، تحقیق محمد کامل حسین، قاهره، ۱۹۴۹.
۲۱. عبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دارالنهضة العربیه، بیروت: بی تا.
۲۲. عطاءالله، خضرا احمد، حیاة الفکریه فی مصر فی العصر الفاطمی، دارالفکر العربی، قاهره: بی تا.
۲۳. فؤادسید، ایمن، الدوله الفاطمیة فی مصر، قاهره: الدارالمصریة اللبنانیة، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. قلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی فی الصنایع الانشاء، جلد دوم، محقق شمس‌الدین محمد حسین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۲۵. کامل حسین، محمد، فی ادب مصر الفاطمیة، بیروت: دارالفکر العربی، ۱۹۶۳.
۲۶. ماجد، عبدالمنعم، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، قاهره: مکتبه الانجلو المصریة، ۱۹۸۵ ق.
۲۷. \_\_\_\_\_، سجلات المستنصریة، القاهره: ۱۹۵۴.
۲۸. مقریزی، احمد بن علی، المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار، تحقیق و فهارس: ایمن فوادسید، الفرقان التراث الاسلامی، ۱۴۱۶ ق، ۱۹۹۵ م.
۲۹. \_\_\_\_\_، المواعظ و الاعتبار بذکر خطط و الآثار، مجلد الثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۳۰. واکر، پل ای، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی؛ تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: ۱۳۸۳، فرزانه روز.
۳۱. وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴ ش.

۳۲. ویت، گاستون، قاهره شهر هنر و تجارت، محمود محمودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱ ش.

۳۳. همدانی، سمیه، (۱۳۸۹) بین انقلاب و دولت؛ مسیر تشکیل دولت فاطمی؛ قاضی نعمان و توجیه مشروعیت حکومت فاطمی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.

۳۴. یوسفی‌فر، شهرام و صادق آیینه‌وند و دیگران، «تعامل دیوانیان و نظامیان در دوره اول خلافت فاطمیان در مصر»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۲۲، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۲۵-۱۵۲.

35. Ashtor, E. *Social and Economic History of the Near East*, Berkeley: University of California Press, 1976.
36. Weber, M., *Economy and Society*, Edited Ghonther Roth, university of California, v: 2, 1987.

